دعوای مرگبار مردان افغان در جنوب تهران

درگیری خونین چند افغانی در جنوب تهران با قتل یکی از آنها تمام شد.

عصر ۱۵ فروردین‌ماه، کارکنان یکی از بیمارستان‌های جنوب تهران پلیس را از حادثه‌ای خونین باخبر کردند. با حضور مأموران کلانتری یافت‌آباد معلوم شد چند مرد افغان در حالی که با اصابت ضربات چاقو مجروح شده بودند به بیمارستان منتقل شده‌اند و یکی از آنها به دلیل شدت جراحت جان باخته است. با حضور بازپرس و تیم جنایی در محل مشخص شد عامل قتل هم یکی از مجروحان حادثه است. بشیر، پسردایی مقتول که در جریان این حادثه زخمی شده بود در شرح ماجرا گفت: من و دوستانم همگی کارگر و در خانه‌ای اجاره‌ای در محله یافت‌آباد زندگی می‌کنیم. قادر هم که در این حادثه مرتکب قتل شده همراه ما در آن خانه زندگی می‌کند. او همیشه چند نفر از دوستانش را به عنوان میهمان به خانه می‌آورد که من و مقتول به او اعتراض می‌کردیم و می‌گفتیم جای ما در خانه کم است و از او می‌خواستیم کسی را به خانه دعوت نکند، اما توجهی نمی‌کرد. ساعتی قبل از حادثه بود که قادر همراه چند نفر وارد خانه شد که بار دیگر به او اعتراض کردیم. وقتی مشاجره بالا گرفت مالک دست به چاقو شد و حادثه خونین اتفاق افتاد. با انتقال جسد به پزشکی قانونی، تحقیقات در این باره جریان دارد.

مرگ ۲ مسافر عراقی در تصادف با کامیون

تصادف خودروی حامل مسافران عراقی با کامیون در مرز خسروی، مرگ دو نفر از آنها را به دنبال داشت.

محمد نجفی، فرماندار قصرشیرین گفت: ظهر روز گذشته تصادف کامیون با خودروی سمند در عمود ۲۵ در جاده مرز خسروی به قصرشیرین اتفاق افتاد. بررسی‌های پلیس بعد از حضور در محل نشان داد سواری سمند حامل پنج مسافر عراقی بود که دو نفر از آنها به دلیل شدت جراحت جانشان را از دست دادند و سه نفر دیگر به همراه راننده ایرانی زخمی شدند که مجروحان حادثه به مرکز درمانی منتقل شدند. علت حادثه در دست بررسی است.

سقوط مرگبار نوجوان از روی گرگر

نوجوان ۱۲ ساله منطقه عشایری گرمیشان لرستان در حالی که با گرگر در حال عبور از رودخانه بود به آب سقوط کرد و جان باخت.

حادثه سقوط نوجوان ۱۲ ساله به رودخانه‌ای در منطقه عشایری گرمیشان لرستان روز پنج‌شنبه اتفاق افتاد. همزمان با وقوع حادثه، جسد از آب خارج و به پزشکی قانونی منتقل شد. گرگر، وسیله‌ای برای عبور از رودخانه‌هاست که در مناطقی از لرستان و چهارمحال و بختیاری به کار می‌رود. در مناطقی که پلی برای عبور انسان‌ها ساخته نشده، کابل ضخیمی از یک سوی رودخانه به سوی دیگر کشیده می‌شود. یک سبد فلزی که می‌تواند یک یا چند نفر ظرفیت داشته باشد با قرقره روی کابل قرار می‌گیرد و شهروندان با دست این وسیله را روی کابل حرکت می‌دهند.

بن‌بست یک ماهه پلیس در پرونده نازگل کوچولو

■ **حسین فصیحی**

معمای گم شدن المیرا زارعی معروف به نازگل، دانش‌آموز کلاس اول اصفهانی همچنان سر به مهر مانده است. یک ماه از گم شدن این کودک می‌گذرد و تحقیقات برای پیدا کردن او با بن‌بست مواجه شده است.

ساعت حدود ۱۰ صبح روز جمعه، ۱۸ اسفندماه گذشته بود که خبر گم شدن نازگل در روستای دهکرم اصفهان پیچید. ساعتی قبل از آن نازگل به تنهایی داشت در حیاط خانه پدربزرگش بازی می‌کرد. پدربزرگ قبل از خروج از خانه آخرین کسی بود که نازگل را هنگام بازی دیده بود. آن زمان مادر نازگل همراه خاله‌های کودک داخل خانه مشغول کار بود و زمانی که متوجه شد صدای بچه از حیاط نمی‌آید خودش را به حیاط خانه رساند، اما خبری از نازگل نبود.

بعد از آن مادر نازگل و خانواده شروع به جست‌وجوی او کردند، اما باز هم خبری از طفل نبود. خبر گم شدن نازگل در روستا پیچید و بعد از آن نیز اهالی، کوچه به کوچه و صحرا به صحرا را به دنبالش گشتند، اما انگار نازگل آب شده و به زمین رفته بود.

■ **درخواست کمک از پلیس**

پس از آن بود که خانواده نازگل پلیس را از ماجرا باخبر کردند. مادر نازگل به مأموران گفت: «نازگل تنها فرزند من است. وقتی او نوزادی پنج ماهه بود شوهرم فوت شد و از آن زمان نازگل تنها دلخوشی من در زندگی بود. ما ساکن روستای برسیان حوالی شهر زیار اصفهان هستیم، اما خودم اهل روستای دهکرم در همان حوالی هستم. یک روز قبل از گم شدن نازگل همراه او به خانه پدرم رفتم تا نازگل کنار پدربزرگ و مادربزرگش باشد و با بچه‌های خواهرم بازی کند.» وی در شرح ماجرای گم شدن نازگل هم گفت: «همه چیز به خوبی در حال سپری شدن بود. صبح روز جمعه نازگل از خواب بیدار شد و برای بازی به حیاط خانه رفت. او به تنهایی در حال بازی بود. قبل از آن پدرم همراه پسرخاله‌ام برای انجام کاری از خانه بیرون رفتند. آن زمان نازگل هنوز در حیاط بود، اما مدت زیادی از رفتن آنها نگذشته بود که متوجه شدم نازگل ناپدید شده است.»

■ **آغاز تحقیقات**

حمید چوپانی، پسرخاله مادر نازگل به خبرنگار ما می‌گوید: «در جریان بررسی‌های میدانی مشخص شد روستا به هیچ دوربین مداربسته‌ای مجهز نیست. در بررسی ساختمان‌های اطراف روستا دامداری وجود داشت که به دوربین مجهز بود، اما کیفیت تصاویر ضبط شده خیلی پایین بود و بررسی‌های تصاویر آن هم نتوانست سرنخی از ماجرا را به دست پلیس بدهد. در شاخه دیگری از بررسی‌ها اهالی دهکرم، روستاهای اطراف و حتی شهرهای دوردست برای کمک به پیدا کردن نازگل بسیج شدند و شروع به تجسس در بیابان‌ها و چاه‌های اطراف کردند. هر جایی که امکان داشت نازگل به آن سقوط کرده یا قدم به آن منطقه گذاشته باشد جست‌وجو شد، اما نتیجه‌ای دربر نداشت.»

چوپانی ادامه می‌دهد: «ما در فضای مجازی پویشی برای پیدا کردن نازگل به راه انداختیم و مردم از سراسر کشور با این پویش همراه شدند. عکس و فیلم‌هایی که از نازگل موجود بود در این پویش به اشتراک گذاشته شد. مردم خیلی با ما همدردی کردند و هنوز هم برای پیدا شدن نازگل تسلی می‌دهند. با وجود اینکه یک ماه از ماجرا گذشته است ما دست از تلاش برنداشته‌ایم.»

چوپانی در ادامه می‌افزاید: «این اتفاق تأثیر خیلی بدی روی اهالی روستا و روستاهای اطراف گذاشته است، به طوری که مردم احساس امنیت نمی‌کنند و بچه‌هایشان را در خانه حبس کرده‌اند. بچه‌ها هم می‌ترسند در کوچه و حتی حیاط خانه‌شان بازی کنند. والدین خیلی نگران این موضوع هستند، اما کاری از دستشان برنمی‌آید.»

وی درباره شرایط روحی مادر نازگل هم می‌گوید: «از زمان گم شدن نازگل همه چیز برای او تمام شده و تنها چیزی که می‌تواند او را به زندگی امیدوار کند پیدا شدن دخترش است. تحمل این شرایط و چشم‌انتظاری برای مادر واقعاً دشوار است و فقط جسمی نحیف از او مانده است. هر کس که از راه می‌رسد از نازگل خبر می‌گیرد، اما حقیقت این است که خبری از او نیست.»

او درباره آخرین وضعیت پرونده هم عنوان می‌کند: «پلیس چند روز قبل به خانه پدربزرگ نازگل، جایی که طفل گم شد، آمد و رفت و محل را بررسی کرد. افرادی هم در این باره احضار و از آنها تحقیق شده است، اما هنوز هیچ موضوعی اعلام نشده و نمی‌دانیم که آیا نازگل زنده است یا اتفاقی برایش افتاده است. ما حتی از طریق رسانه‌ها از رئیس دستگاه قضا و فرمانده فراجا هم درخواست کمک کردیم و امیدوار بودیم این پرونده مثل پرونده‌های مشابه به صورت ویژه بررسی شود که این اتفاق نیفتاد.»

■ **سناریوهای مطرح شده**

در روستای دهکرم و روستاهای اطراف آن افغانی‌های زیادی ساکن هستند برای همین یکی از گزینه‌های مورد نظر این بود که احتمال دارد حادثه‌ای شوم علیه نازگل از سوی اتباع رقم خورده باشد. اختلاف خانوادگی هم از گزینه‌های دیگری است که احتمال آن دور از ذهن نبود. یکی از اهالی روستا به خبرنگار ما می‌گوید: «بعد از فوت پدر نازگل که هفت سال قبل اتفاق افتاده، قرار بود ارثیه او به نازگل برسد که اختلاف‌هایی در این باره مطرح بود، از همین‌رو احتمال دارد که دامنه این اختلاف‌ها به حادثه‌ای منجر شده باشد.»

از آنجا که کودکان مقابل اتفاق‌ها آسیب‌پذیرند، امکان بروز حادثه جنایی علیه آنها هم وجود دارد، از همین رو این موضوعات از سوی پلیس در حال بررسی است.

■ **رئیس پلیس آگاهی اصفهان**

بسیاری از خانواده‌ها سال نو را کنار هم جشن گرفتند، اما مادر نازگل تلخ‌ترین تحویل سال زندگی‌اش را سپری کرد. تلخی که در طول تعطیلات نوروز ادامه داشت و حالا با گذشت یک ماه از حادثه، کشنده‌تر از هر زمان دیگری ادامه دارد. در یک ماه گذشته یک پرسش تکراری وجود داشته و آن اینکه چرا نازگل تا حالا پیدا نشده است؟

سرهنگ حسین ترکی، رئیس پلیس آگاهی اصفهان در پاسخ به این پرسش خبرنگار ما که چرا بعد از گذشت یک ماه خبری از نازگل نشده است، می‌گوید: «از زمان وقوع حادثه تلاش پلیس برای کشف پرونده در جریان است، با این حال ما همچنان تحقیقاتمان را برای رسیدن به نتیجه دنبال می‌کنیم.»

تردیدی وجود ندارد که مدافعان امنیت برای تولید و برقراری امنیت تلاش خود را به کار می‌گیرند، اما اینکه چرا در این پرونده تحقیقات پلیس راه به جایی نبرده، موضوعی است که باید از سوی پلیس دنبال شود. اینکه آیا اگر تجهیزات پلیس برای کشف جرائم نیاز به حمایت دارد باید حمایت‌های لازم در این باره صورت گیرد.

با این حال گم شدن نازگل و بی‌خبری یک ماهه از او و از دست رفتن امنیت در شرق اصفهان موضوعی نیست که بتوان به راحتی از کنار آن گذشت.

قتل مهدی شاسکول با شلیک گلوله

■ **آرمین بینا**

شرور معروف سطح یک محله دولت‌آباد معروف به مهدی شاسکول که مدتی قبل به جرم ارتکاب جرائم مختلف از سوی پلیس دستگیر و در محل چرخانده شده بود در درگیری با اشرار دیگر با شلیک گلوله به قتل رسید.

ساعت ۲۳:۳۰ چهارشنبه پانزدهم فروردین قاضی موسی رضا زاده، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران پلیس از قتل مرد جوانی در یکی از محله‌های جنوب تهران با خبر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شد.

تیم جنایی در محل حادثه داخل خودروی سانتافه‌ای با جسد مرد جوانی روبه‌رو شدند که با شلیک گلوله‌ای به سرش به قتل رسیده‌بود.

■ **اوباش سطح یک**

مأموران با بررسی اوراق هویتی مقتول دریافتند وی یکی از اراذل و اوباش سطح یک محله دولت‌آباد معروف به مهدی شاسکول است. بررسی پرونده مقتول نشان می‌داد جرائم زیادی در پرونده‌اش ثبت‌شده و چندی قبل به خاطر شرارت‌های زیاد و ارتکاب جرائم خشن از سوی پلیس دستگیر و در محله دولت‌آباد شهرری چرخانده شده‌است.

در تحقیقات بعدی مشخص شد وی از مدتی قبل با تعدادی اوباش دیگر اختلاف داشته و آنها همیشه برای هم خط و نشان می‌کشیده و عرض اندام می‌کرده‌اند و قبل از قتل هم با تعدادی درگیری داشته‌است.

بدین ترتیب همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی برای انجام آزمایش‌های لازم مأموران برای بررسی حادثه دست به تحقیقات فنی زدند.

در بررسی دوربین‌های محل حادثه و اطراف آن و گفته‌های شاهدان مأموران متوجه شدند مقتول ۳۴ ساله شب حادثه از خانه‌اش بیرون می‌آید و با خودروی سانتافه‌اش راهی خانه مادرش می‌شود. وقتی به نزدیکی خانه مادرش می‌رسد، خودروی سواری که دو سرنشین داشته راه او را سد می‌کنند و یکی از آنها با کلت کمری به سوی او تیراندازی می‌کند که یکی از تیرها به سر شرور سابقه‌دار اصابت می‌کند و او را به قتل می‌رساند. پس از این حادثه عاملان قتل به سرعت از محل فرار می‌کنند.

در ادامه بازپرس جنایی دستور داد مأموران با تحقیق از شاهدان و بررسی دوربین‌های مداربسته عاملان قتل را شناسایی و بازداشت کنند. تحقیقات برای بر ملا شدن زوایای پنهان قتل مهدی شاسکول ادامه دارد.

مرگ خاموش زن میانسال

یکی از دو خواهر میانسال که دچار حادثه گازگرفتگی شده بودند به دلیل شدت مسمومیت فوت شد.

محسن مزجی، معاون مرکز حوادث دانشگاه علوم پزشکی شاهرود گفت: روز گذشته امدادگران از حادثه گازگرفتگی در یکی از محله‌های شهر باخبر و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد دو خواهر ۵۷ و ۵۰ ساله دچار گازگرفتگی شده‌اند که به بیمارستان امام حسین منتقل شدند. بعد از آن بود که تلاش برای نجات دو خواهر به جریان افتاد، اما خواهر بزرگ‌تر به دلیل شدت مسمومیت فوت شد.

شکار مار در ساختمان مسکونی

آتش‌نشانان یک حلقه ماری را که در حال گردش در یک ساختمان مسکونی و باعث وحشت ساکنان شده بود، به دام انداختند.

به گزارش «جوان»، محمد شبدیز، فرمانده نیروهای آتش‌نشانان گفت: ظهر روز پنج‌شنبه ساکنان ساختمانی در خیابان ۱۷ شهریور خبر دادند که یک حلقه مار وارد ساختمان چهار طبقه و باعث وحشت ساکنان شده‌است. بعد از آن بود که آتش‌نشانان در محل حاضر شدند و با تجهیزات مخصوص، مار یک متری را در راهرو ساختمان به دام انداختند.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان های فاقد سند رسمی
برابر ماده ۳ وماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۴۰۲۶۰۳۱۲۰۰۱۰۱۲۴۵۶ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سندرسمی مستقردرواحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۲۱۱۴۴۱۲۰۰۱۰۰۰۰۷۱ تقاضای آقای سهیل کابوسی به شماره شناسنامه وکد ملی ۲۱۱۰۱۳۶۰۴۹ صادره ازگرگان فرزند علی درششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۳۷۳ مترمربع ازپلاک شماره ۱۰ -اصلی واقع دراراضی شاهکوه علیا بخش چهار حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت ازانتقال ازمالک رسمی عبدالله کابوسی به متقاضی دارد، لذا به منظور اطلاع عموم مراتب دردونوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود ازاین رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم وپس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضایی تقدیم نماید.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۱/۱۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۲/۰۲
شناسه آگهی: ۱۶۸۸۵۳۶ مهدی شاه مهری
سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان

پخش شیرینی پس از شنیدن خبر قتل همسر

■ **غلامرضا مسکنی**

کارمند یکی از بانک‌های تهران که برای قتل همسرش دو آدمکش اجیر کرده‌بود، وقتی از خبر وقوع حادثه مطلع شد، بین همکارانش شیرینی پخش کرد.

عصر روز چهارشنبه ۲۵ بهمن ماه سال قبل، زنی در تهران وحشت‌زده با اداره پلیس تماس گرفت و در حالی که به سختی حرف می‌زد، گفت زن همسایه‌شان در خانه‌اش به طرز مشکوکی به قتل رسیده‌است.

با اعلام این خبر، تیمی از مأموران کلانتری ۱۰۸ نواب راهی محل حادثه و در اتاق‌خواب طبقه اول ساختمان مسکونی با جسد زن ۵۳ ساله‌ای به نام توران روبه‌رو شدند. دور گردن جسد روسری پیچانده شده‌بود و آثار زخم روی دست‌هایش هم حکایت از آن داشت عاملان قتل پس از اینکه زن میانسال را خفه کردند، النگوهای او را سرقت کرده و از محل گریخته‌اند.

■ **تماس شوهر**

با کشف جسد توران در اتاق‌خواب خانه‌اش، موضوع به قاضی موسی رضازاده، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران خبر داده‌شد و وی همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل تحقیقات خود را آغاز کردند.

تیم جنایی در نخستین گام از زن همسایه که موضوع را به پلیس خبر داده‌بود، تحقیق کردند.

وی گفت: «من و همسرم در طبقه دوم ساختمان زندگی می‌کنیم و مدتی است با توران و خانواده‌اش همسایه هستیم. ساعتی قبل شوهر توران با من تماس گرفت و گفت دو فرزندش به مدرسه رفته‌اند و همسرش در خانه تنها است، اما به تلفن او جواب نمی‌دهد و نگران است. وقتی تلفن او قطع شد، در خانه آنها رفتم، اما هر چقدر در زدم کسی در را باز نکرد و وقتی در را هل دادم، در باز شد او را صدا زدم، اما جواب نداد و نگران وارد خانه‌شان شدم و بعد هم با جسد توران در اتاق‌خواب روبه‌رو شدم و موضوع را به پلیس و شوهرش خبر دادم.»

■ **قرار ولنتاین**

شوهر مقتول به نام فرزاد هم در ادعایی گفت: «من کارمند بانک هستم و امروز صبح هم مثل همیشه به محل کارم رفتم و بچه‌هایم نیز به مدرسه رفتند. قرار بود همراه همسرم برای خرید روز ولنتاین به بازار برویم و به همین دلیل با او تماس گرفتم، اما او جواب تلفن همراه و تلفن خانه را نداد. ساعتی بعد دوباره تماس گرفتم و وقتی جواب نداد، نگران شدم و از زن همسایه خواستم به خانه‌مان برود و از همسرم خبری بگیرد که دقایقی بعد خبر دلخراشی را به من داد و من هم به سرعت به خانه آمدم.»

■ **قتل پس از آشتی**

در حالی که مأموران متوجه تناقض‌گویی‌ها شوهر مقتول شده‌بودند، بررسی‌های میدانی نشان داد مقتول و همسرش از قبل با هم اختلاف زیادی داشته‌اند و همیشه هم با هم درگیر می‌شده‌اند به طوری که صدای درگیری و مشاجره لفظی آنها را همسایه‌ها مدام می‌شنیده‌اند. همچنین مشخص شد درگیری و اختلاف آنها باعث‌شده یک‌بار از هم جدا شوند، اما دوباره به خاطر فرزندانشان با هم آشتی کنند و دوباره زندگی مشترکشان را ادامه دهند.

■ **در جست‌وجوی آدمکش**

با به دست آمدن این اطلاعات این احتمال برای مأموران قوت گرفت کارمند بانک در قتل همسرش دخالت داشته‌است و به همین سبب وی به دستور بازپرس جنایی بازداشت و برای تحقیق در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

مأموران پلیس در تحقیقات از محل کار فرزاد دریافتند وی مدتی قبل با یکی از همکارانش درباره اجیر کردن آدمکش برای قتل همسرش مشورت کرده و گفته‌است قصد دارد فرد یا افرادی را برای قتل همسرش اجیر کند. از سوی دیگر بررسی‌ها حکایت از آن داشت وی روز حادثه به بانک رفته و چند باری تلفنی با افرادی صحبت کرده و دو بار هم از بانک مرخصی ساعتی گرفته و دوباره به بانک برگشته‌است.

در شاخه دیگر از بررسی‌های فنی مشخص شد متهم روز حادثه ۳۰ میلیون تومان از حسابش برداشته کرده و به فرد یا افراد ناشناسی داده‌است و همچنین پس از صحبت کردن تلفنی با فردی دوباره بیرون رفته و با جعبه شیرینی به بانک برگشته و شیرینی را بین همکارانش پخش کرده‌است.

■ **۲ ماه بعد**

در حالی که همه دلایل و مدارک حکایت از آن داشت فرزاد در قتل همسرش دست داشته، متهم جرم خود را انکار می‌کرد تا اینکه چند روز قبل پس از گذشت نزدیک به دو ماه از حادثه قفل سکوت را شکست و اعتراف کرد برای قتل همسرش دو آدمکش اجیر کرده‌است.

وی در ادعایی گفت: «من با همسرم اختلافی نداشتم و به همین دلیل هم به او اعتماد کردم و مقداری از اموالم را به نام او زدم. حتی برای او وام ۲۰۰ میلیون تومانی گرفتم و قرار بود خودش از پس اندازش قسط آن را پرداخت کند، اما او اقساط وامش را پرداخت نمی‌کرد و مرا مجبور می‌کرد خودم قسط وامش را به بانک پرداخت کنم.»

■ **نقشه اول**

همین موضوعات باعث اختلاف ما شد و وقتی هم از او خواستم اموالم را به من برگرداند، او قبول نمی‌کرد و اختلاف ما بیشتر می‌شد، به طوری که دادگاه رفتیم و از هم جدا شدیم، اما دوباره به خاطر آینده فرزندانمان تصمیم گرفتیم آشتی و به هم رجوع کنیم. من فکر می‌کردم اختلاف ما کمتر شود، اما هر روز بیشتر می‌شد تا اینکه یک سال قبل تصمیم گرفتم همسرم را به قتل برسانم و از دست او خلاص شوم. به همین دلیل ابتدا می‌خواستم قرص بخرم و او را مسموم کنم و به قتل برسانم، اما احتمال دادم دستم رو شود و از ترس قصاص بی‌خیال شدم و دنبال راه دیگری بودم.»

■ **اجیر کردن آدمکش**

متهم در ادامه گفت: «پس از این نقشه‌های دیگری هم به فکرم رسید، اما در نهایت دنبال آدمکش بودم و می‌خواستم فرد یا افرادی را برای قتل همسرم اجیر کنم تا ردی از خودم به جای نگذارم. سه ماه قبل از حادثه با یکی از دوستانم مشورت کردم و او گفت دو مرد خلافکار را می‌شناسد که با گرفتن پول دست به هر کاری می‌زنند و حتی آدمکشی هم می‌کنند. دوستم آن دو مرد را به من معرفی کرد و پس از چند بار صحبت کردن در نهایت با هم به توافق رسیدیم.»

■ **دستمزد ۴۳۰ میلیون تومانی**

متهم گفت: «قرار شد برای قتل همسرم به آنها ۳۰ میلیون تومان دستی بدهم و آنها هم به خاطر فریب مأموران و صحنه‌سازی النگوهای همسرم را که ۴۰۰ میلیون تومان ارزش داشت برای ما بقی دستمزدشان سرقت کنند و لوازم خانه را هم به هم بریزند. صبح روز حادثه با نقشه طراحی شده وقتی فرزندانم راهی مدرسه شدند، من کلید خانه را در اختیار آنها قرار دادم و خودم برای اینکه ردی از خودم به جای نگذارم، به محل کارم رفتم. آن روز تلفنی با آنها در تماس بودم و آنها هم مرا از جزئیات حادثه با خبر می‌کردند تا اینکه به من گفتند همسرم را با روسری‌اش خفه کرده‌اند. بعد از آن بود که بین همکارانم شیرینی پخش کردم و ساعتی بعد با آدمکش‌ها بیرون قرار گذاشتم و ۳۰ میلیون دستمزد آنها را دادم و از آن ساعت به بعد از آنها بی‌خبرم. چند ساعت بعد طبق نقشه چند باری با تلفن همسرم تماس گرفتم و بعد هم تلفنی به زن همسایه گفتم همسرم تلفنم را جواب نمی‌دهد و نگرانش هستم و از او خواستم خبری از همسرم بگیرد.»

متهم پس از اعتراف برای ادامه تحقیقات در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت. مأموران در تلاشند تا دو قاتل اجیر شده را شناسایی و بازداشت کنند تا زوایای پنهان حادثه بر ملا شود.